

بررسی و شناخت مفهوم (اخلاق دوستی) از نظر ارسطو و غزالی

مسلم شجاعی ^۱	تاریخ دریافت: ۱۳/۳/۱۳۹۹
عباس قنبری ^۲	تاریخ پذیرش: ۲۸/۵/۱۳۹۹
معصومه طیبی ^۳	
کاظم بهمنی ^۴	

چکیده

تبیین مفهوم زیبای اخلاق دوستی، مقوله ای است فردی و اجتماعی که نه فرد و نه دولت هیچ یک نمی توانند بدون آن به زندگی ادامه دهند. این مهم در مرتبه ای حتی بالاتر از عدالت قرار می گیرد. در عالم اسلام نیز غزالی در برخی از آثار خود در بحث از فضایل اخلاق دوستی به گونه ای سخن گفته که نشان دهنده اثرپذیری او از اخلاق یونانی ارسطویی است و از این سو در پاره ای از آثار خود همچون تهافت الفلاسفه نیز به شدت به فلسفه یونانی تاخته است. روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی است. هدف این نوشتار آنست که به مفهوم اخلاق دوستی، با استفاده از آثار دو فیلسوف بزرگ ارسطو و غزالی، پرداخته شود. یافته های پژوهش نشان می دهد که مفهوم اخلاق دوستی ارسطو، غیر مبتنی بر دین است، و آنرا مطابق و هماهنگ با جامعه عصر خود تدوین کرده است. و غزالی مولفه های دینی مانند لزوم تمسک به توفیق و امداد الهی در رعایت اعتدال و حد وسط راجهت اخلاق دوستی بیان می کند.

کلید واژه ها: مبانی اخلاق، دوستی، ارسطو، غزالی

۱. دکتری تخصصی فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه فرهنگیان، امام جعفر صادق (ع)، بهبهان، ایران (نویسنده)

moslem.shojae@yahoo.com (مسئول)

۲. کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، واحد بهبهان، دانشگاه آزاد اسلامی، بهبهان، ایران

۳. کارشناس ارشد علوم تربیتی، مدرس دانشگاه فرهنگیان امام جعفر صادق (ع)، بهبهان، ایران

۴. کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، دبیر رسمی آموزش و پرورش، بهبهان، ایران

ارسطو و غزالی، دو تن از فیلسوفان بزرگ جهان می باشند، ارسطو فیلسوف یونان باستان، و غزالی فیلسوف جهان اسلام که هریک، سهم بسزایی در شکل دهی بخشی از افکار فلسفی و مباحث اخلاقی در طول تاریخ بشر ایفا کرده اند. و از آنجا که در روزگار کنونی یاس و ناامیدی بشر غفلت زده را در پرده‌ای از ابهام و بی هویتی فرو برده است، توجه به مباحث اخلاق دوستی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می باشد. به همین دلیل فیلسوفان اخلاق همواره تلاش کرده اند تا دستورالعملی برای رفتار انسان‌ها و روابط میان آنها ارائه دهند تا آنان را به سر منزل سعادت و خوشبختی هدایت کنند. در دین اسلام اهمیت اخلاق تا جایی است که پیامبر اکرم می فرماید: «انی بعثت لأتمم مکارم الاخلاق» همانا من مبعوث شده‌ام تا ارزشهای اخلاقی را به تمام و کمال محقق کنم. و همینطور ایشان در مورد دوستی می فرماید: «انسان بر دین دوستش خواهد بود، بنابراین هر یک از شما دقت کند که با چه کسی دوست می شود (بحارالانوار، جلد ۷۴: ۱۹۲).

فضایل اخلاقی مایه نجات و رستگاری انسان و رساننده او به سعادت جاوید است و رذایل اخلاقی مایه شقاوت همیشگی وی است. پس تزکیه نفس از رذایل و آراستن آن به فضایل از مهمترین واجبات بوده و دست یافتن به سعادت حقیقی بدون آن محال است (مجتبوی، ۱۳۸۱، ص ۴۱).

اخلاق و مباحث مرتبط با آن، یکی از کهن‌ترین اموری که انسان همواره با آن در ارتباط بوده و هست، چرا که اخلاق در کنار دین از مهم‌ترین عناصری است که هم در جهت هویت بخشیدن به انسان و در جهت یاری انسان برای شناخت وجود خود و صفات و روحیاتش و نیز در دست یابی به حقیقت جهان نقش ایفا می کند. یکی از مباحث مهم اخلاقی نحوه ارتباط انسان‌ها و دوستی‌ها و روابط دوستانه با یگدیگر می باشد که از آن به اخلاق دوستی یاد می کنیم در تایید آن همین بس که آیات و روایات زیادی بیانگر این موضوع می باشد از جمله این آیات، خداوند در سوره فرقان حال برخی ظالمان را این گونه بیان میدارد: ای وای بر من کاش فلان شخص را به عنوان دوست خود انتخاب نکرده بودم (الطوسی، ۱۳۷۱).

تجربه و تحلیل دوستی، چه در حوزه فلسفه غرب و چه در حوزه فلسفه اسلامی از آغاز تا به امروز، همواره مورد توجه فلاسفه بوده که از جمله این فلاسفه در فلسفه غرب، افلاطون و ارسطو و در فلسفه اسلامی، فارابی، خواجه نصیرالدین طوسی و غزالی می توان نام برد. لذا، مساله و دغدغه‌ی اصلی این پژوهش، تبیین مفهوم (اخلاق دوستی) از منظر ارسطو و غزالی است همچنین سعی بر آن است تا نشان داده شود غزالی با انجام اصلاحات و بازبینی‌هایی در عناصر گوناگون اخلاق فضیلت ارسطو بر اساس آموزه‌های دینی و با مطرح کردن فضایی معنوی همچون توبه، توکل، عشق به خدا و ... تقریری دینی از اخلاق فضیلت به دست داده است که بیان می کنند که می توان مفهوم اخلاق دوستی را در قالبی دینی تفسیر و تبیین کرد.

تاکنون در مورد مبحث مفهوم اخلاق دوستی از نظر ارسطو و غزالی مقاله یا پایان نامه ای به نگارش درنیامده است. اما در زمینه فلسفه علم اخلاق و یا دوستی، تحقیقاتی به صورت جداگانه انجام گرفته و مقاله‌هایی در مورد فضایل اخلاقی یا سعادت و دوستی یا اخلاق ارسطو به نگارش درآمده است. از جمله این موارد:

۱- اخلاق فضیلت در دوره یونان باستان و تأثیراتش بر فلسفه اسلامی از محسن جوادی-آذر ۱۳۹۳- مجله تخصصی نور. که در این مقاله ابتدا به تعریف اخلاق فضیلت پرداخته سپس نظرات فلاسفه یونان را در مورد فضائل اخلاقی توضیح دادند پس از آن به تهذیب الاخلاق ابن مسکویه در فلسفه اخلاق اسلامی پرداخته و اینکه چگونه توانست در اخلاق اسلامی انقلابی به پا کند، زیرا علاوه بر طرح فضائل و رذائل اخلاقی، راه درمان رذائل را نیز ذکر کرد و کتاب جامع و درسی برجسته‌ایی در این زمینه تالیف نمود.

۲- بررسی تطبیقی رابطه دین و اخلاق در نظر هیر و غزالی از سمیه نعیمی. که در این پایان نامه به بررسی آرای غزالی و هیر در مورد دین و اخلاق و معرفی مکاتب در این زمینه پرداخته ولی به مساله دوستی نپرداخته است.

۳- جایگاه دوستی در فلسفه اخلاق ارسطو از معصومه بیاتی -مرداد ۱۳۸۹ که در این پایان نامه به تعریف و بررسی جایگاه و فضیلت‌ها در کتاب نیکو ماخوس و سایر آثار ارسطو پرداخته ولی مطلبی از غزالی نوشته نشده است. ۴- بررسی تطبیقی اخلاق شناسی ارسطو و محقق طوسی از اکرم تقی نژاد رازلیقی - اسفند ۱۳۸۶- دانشگاه تربیت معلم. ایشان در این پایان نامه به مبادی اخلاق از دیدگاه ارسطو و محقق طوسی پرداختند و نیکبختی، خیر و انواع آن و ماهیت آن، فضیلت و رذیلت و انواع آن نیز بررسی شده است. ایشان در فصول بعدی به اشکال نظریه و راه حل آن، پرهیزگاری، لذت و انواع دوستی پرداخته است. و در نهایت به این نتیجه رسیدند، که ارسطو و هم محقق طوسی فضایل غیرواقعی و متشبه را بیان می‌دارند تا مخاطبین، فضایل حقیقی را از فضایل غیر حقیقی بازشناسند و به راه خطا نروند. اختلاف عمده میان ارسطو و محقق طوسی در ذکر فضائل و رذایل این است که اولاً نظم و تقسیم منطقی در فضایل و رذایل ارسطو به چشم نمی‌خورد ولی محقق طوسی به تأسی از ابوعلی مسکویه به تقسیم منطقی فضائل و رذایل بر اساس قوای نفس انسانی می‌پردازد. ثانیاً ارسطو در این حکم که حد وسط، فضیلت و افراط و تفریط رذیلتند برهانی ذکر نمی‌کند و تنها به مدح و سرزنش مردم اکتفا می‌نماید که تکیه گاه محکمی نیست اما محقق طوسی این قضیه را با بهره‌گیری از قرآن کریم (توسط در قوا برای انسان فضیلت است) اثبات می‌کند.

در این پژوهش ابتدا تعریف دوستی و اخلاق را از منظر ارسطو بررسی می‌شود سپس سایر مفاهیم را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

۱. اخلاق دوستی از نظر ارسطو

ارسطو اخلاق را مانند سایر مسائل انسانی موضوع اندیشه می‌داند، همزمان با آنان سقراط و افلاطون در مقام برآوردن نیازهای اخلاقی و تربیتی به خاطر رواج عقیده‌ی سوفسطائیان این بحث‌ها را دنبال می‌کردند و بعد از آن‌ها ارسطو به این امر مهم پرداخت. (ارسطو، ۱۳۷۸: ۷-۸).

ارسطو در اصول اخلاقی‌اش به دنبال سعادت و خوشی برای زندگی این جهان و روزمره انسان است. ارسطو غایت فلسفه اخلاق را سعادت فردی و غایت سیاست را خوشبختی همگان می‌داند. به نظر او سعادت بسط اصول اخلاق به قوانین اجتماعی است. خیرکل جامعه برتر از خیر جزء فرد است و برای همین اخلاق فردی را تابع اخلاق سیاست بیان می‌کند. از جمله مباحث اخلاقی که بسیار مورد توجه ارسطو بوده و قسمتی از کتاب معروف اخلاقی خود را به آن اختصاص داده است، مبحث دوستی می‌باشد که دو کتاب از اخلاق نیکوماخوس را به آن اختصاص داده است. ارسطو را می‌توان اولین و شاید مهم‌ترین فیلسوفی دانست که به مقوله دوستی و اهمیت آن در جامعه می‌پردازد. او دوستی را به عنوان امری اجتماعی و در راستای اهداف مشخص اجتماع برای رسیدن به سعادت در نظر می‌گرفت. دوستی مقوله‌ای فردی و اجتماعی می‌باشد که نه دولت و نه فرد نمی‌توانند بدون آن به حیات خود ادامه دهند. (فاخوری، ۱۳۹۳: ۶۲-۶۰)

۱-۲ تعریف دوستی از دیدگاه ارسطو

ارسطو یا معلم اول اولین فیلسوفی است که در مورد ارتباط دوستی در بخشی به نام فلسفه اخلاق نوشته است. وی دوستی را امری اجتماعی دانسته که به دنبال برآوردن اهداف اجتماعی برای رسیدن به سعادت در نظر گرفته می‌شود. در واقع کلمه دوستی در تعاریف ارسطو گستردگی زیادی دارد و او هر نوع احساس مهر ورزی و خیرخواهی را دوستی می‌داند که می‌تواند شامل مهر پدر و مادری به فرزندان و یا بین خودشان، برای زاد و ولد، خویشاوندی، روابط معامله‌گران و هر ارتباط میان دو انسان باشد. از نگاه او داشتن دوست از ضروریات زندگی است. (ارسطو، ۱۳۷۸: ۱۰-۹).

۲-۲ معنای اصطلاحی اخلاق

اخلاق در اصطلاح به صفات درونی انسان گفته می‌شود که در او به صورت عادت درآمده است به گونه‌ای که عمل مربوط به آن صفت در جایی که موقعیت آن پیش می‌آید بدون درنگ از شخص سربرزند. و علم اخلاق، علمی است که با شناساندن صفات نیک و بد و اعمال درست و نادرست اخلاقی، انسان‌ها را به کسب صفات نیک و انجام اعمال درست توصیه می‌کند. (اخلاق کاربردی-معنا و مفهوم-حسین اترک) واژه اخلاق نزد فیلسوفان غربی به معنای نهاد اخلاقی زندگی به کار رفته است (ویلیام کی، ۱۳۸۳: ۲۸). بنابراین، اخلاق امری اجتماعی است. (ویلیام کی، ۱۳۸۳: ۲۹). مهم‌ترین اصلی را که ارسطو، در مباحث اخلاقی مد نظر دارد، مفهوم خیر یا فضیلت می‌باشد. و فضیلت را بر دو نوع می‌داند: (ارسطو، ۱۳۷۸: ۵۳).

فضیلت اخلاقی از نظر او، این‌چنین بیان می‌شود؛ در فضیلت ملکه‌ایی نفسانی است که حد وسط نسبت به مارا بر می‌گزیند، این کار به وسیله قوه عاقله صورت می‌گیرد و کسی که دارای عقل عملی است، به وسیله

آن قوه، راه میانگین را بر می‌گزیند. پس فضیلت میانه دو رذیلت افراط و تفریط است، به عنوان مثال شجاعت حد وسط تهور و ترس، سخاوت حد وسط تبذیر و بخل، و حلم حد وسط تندخویی و بی تفاوتی است. بنابراین فضیلت اخلاقی عبارت است از همین مراعات و انجام عمل معتدلانه و افراط و تفریط در موضوعی، خلاف عقل بوده و رذیلت شمرده می‌شود (ارسطو، ۱۳۵۶: ۴۶-۵۲).

۱-۳ معنای اصطلاحی دوستی

ارسطو دوستی را یکی از فضایل انسانی دانست یا این که حداقل ارتباطی بین دوستی و فضیلت قائل شد. او دوستی را حقیقی‌ترین شکل عدالت می‌داند. (جانکار، ۱۳۸۶: ۲۶۴).

از نظر ارسطو، دوستی نوعی فضیلت است یا خصلتی است که با فضیلت همراه است. علاوه بر این، دوستی ضروری‌ترین امور برای زندگی است؛ چون هیچ کس بدون داشتن دوست نمی‌تواند خوب زندگی کند. ارسطو زندگی بدون دوست و نیکی کردن به دوستان را بی ارزش می‌داند و معتقد است که این دوستان هستند که در مواقع سختی و تنگدستی پناهگاه انسان هستند. دوستی بر اساس خیر چیزی است که دو طرف خیر همدیگر را می‌خواهند، اما در دوستی بر اساس لذت و نفع فقط به خاطر سود و لذتی که از یکدیگر می‌برند با هم در ارتباط هستند در واقع، خیر همدیگر را نمی‌خواهند. (ارسطو، ۲۹۲-۲۹۱: ۱۳۸۵).

۱-۴ اقسام دوستی از نظر ارسطو

ارسطو در حالتی کلی، دوستی را به دو نوع تقسیم می‌کند، دوستی، گاهی می‌تواند بین دو فردی باشد که با همدیگر برابرند، و نیز دوستی می‌تواند گاهی مبتنی بر برتری یکی از طرفین باشد. دوستی که مبتنی بر برابری طرفین است، خود بر سه قسم می‌باشد و آن چه مبنای این تقسیم قرار گرفته است، انگیزه افراد در دوستی یا علتی که دوستی از آن نشأت گرفته است می‌باشد. آن چه افراد در جست و جوی آن هستند نوع دوستی را مشخص می‌کند، و در کل، برای انسان‌ها سه امر دوست داشتنی و انگیزه‌ای برای دوستی می‌باشد که عبارتند از: خیر، لذت، و سود. آن جا که انگیزه دوستی، سود است آدمیان برای سود شخصی خویش و نفعی که از همدیگر می‌برند با یکدیگر دوست می‌شوند، که در واقع در این گونه دوستی، هدف، استفاده از دوستان است. این گونه دوستی در میان افراد سالخورده، بیشتر است زیرا در این سن آدمی دیگر جویای لذت نیست بلکه خواهان سود است. این نوع دوستی مخصوص بازرگانان می‌باشد همچنین عده‌ایی، دوستی میزبان و مهمان را این گونه تلقی می‌کنند. از نشانه این گونه دوستی این است که دیر شکل می‌گیرد و زود از هم می‌گسلد زیرا همین که یکی از دو طرف، دیگر سودمند نباشد، دوستی با او تمام می‌شود. (ارسطو، ۱۳۷۸: ۲۹۷-۲۹۶).

اما قسم آخر دوستی از نظر ارسطو، دوستی نیکان است. آن جایی که انگیزه دوستی، خیر باشد، آدمیان نه برای سود و لذت برای هم دوست می‌شوند، بلکه برای خیر است که خیرخواه هم هستند. این نوع دوستی، دوستی حقیقی و کامل‌ترین شکل دوستی است چرا که این نوع دوستی از آن نیکانی است که از حیث فضیلت با

یکدیگر برابرنند. ولی این نوع دوستی بسیار کمیاب است زیرا این نوع افراد کم هستند.. (ارسطو، ۱۳۷۸: ۲۹۹-۲۹۸).

۱-۵ مبانی انسان شناختی اخلاق دوستی

از مباحث مهم در مبانی انسان‌شناختی، بحث دوساحتی بودن انسان می‌باشد. لذا ابتدا به دوساحتی بودن انسان از نظر ارسطو می‌پردازیم

۱-۶ دوساحتی بودن انسان از نگاه ارسطو

ارسطو معتقد است که انسان موجودی تک بعدی نیست. آیا انسان فقط همین جسم است یا غیر از این ساحت، ساحت وجودی دیگری دارد؟ متفکران و اندیشمندان، نظرات متفاوتی را درباره جواب این سوال بیان کرده‌اند. عده ای به تک ساحتی بودن انسان معتقدند و حتی ذهن را بخشی از بدن و به تعبیری همان مغز می‌دانند. عده ای دیگر، به چند ساحتی بودن انسان اعتقاد دارند. نخستین کسی که نفس را از هر جهت غیر جسمانی می‌دانست، افلاطون بود. (ارسطو، درباره نفس، مقدمه کتاب). عقیده ارسطو درباره نفس این است که؛ نفس برای جسم صورت است و صورت، کمال می‌باشد. جسمی که نفس صورت آن است باید دارای صفت معینی می‌باشد که عبارت است از ذی حیات بودن، بنابراین جسم با نفس یکی نیست. زیرا که جسم ذی حیات، محمول موضوعی نیست بلکه خودش حامل و ماده است. در نتیجه نفس، ضرورتاً جوهر است، بدین معنی که صورت برای جسم طبیعی است که دارای حیات بالقوه می‌باشد. اما جوهر صوری کمال است (ارسطو، ۱۳۴۹: ۷۷-۷۶).

۱-۷ نسبت دوستی با عقل

برای تبیین نسبت دوستی با عقل، لازم است ابتدا به معانی عقل بپردازیم. در کتاب‌های معروف لغت عرب، واژه‌ی عقل در معانی قلب، تمیز، تأمل، قلعه و حصن، دیه، قوه و استعدادی که با آن آگاهی و علم تحقق می‌یابد، ذکر شده است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۷۰-۷۱). عقل در زبان عربی از حیث مفهوم، با عقل تناسب دارد (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۲۵۳). و عقل به معنای زانو بند شتر است که به وسیله‌ی آن شتر سرکش بسته و طغیانگری‌اش مهار می‌شود، و از این جهت عقل نامیده شده است که سرکشی‌هایش و هوس‌ها بند می‌نهد و زانوی غضب و شهوت سرکش را می‌بندد و عقل می‌کند (ابن منظور، ۱۴۱۶: ۳۲۷).

۱-۸ شرایط و ویژگی‌های اخلاق دوستی

از منظر ارسطو، ماهیت و مصاحبت دوستی، نوعی با هم بودن است و دو طرفه می‌باشد. بنابراین انسان در ماهیت دوستی آنچه را برای خود می‌پسندد همان را برای دوست خودش می‌پسندد. آگاهی انسان به وجود خودش بستگی دارد و آگاهی بر وجود دوست هم برای او لذت بخش است. و این آگاهی به مصاحبت دوستی می‌انجامد. ماهیت دوستی منجر به گذراندن زندگی کنار هم می‌شود و دوستان خواهان زندگی مشترک می‌باشند و یا اینکه منجر به مصاحبت در نوشیدن و خوردن، ورزش و شکار و ... می‌شود ماهیت دوستی که

به نوعی باهم بودن است، منجر به خرسندی بیشتر دوستان می‌باشد؛ زیرا در کنار هم زندگی کردن و باهم کار کردن موجب پیدایش احساس زندگی مشترک می‌باشد. مصاحبت و ماهیت دوستی با مردان نیک اگر راه صحیح را بپیماید منجر به فضیلت می‌شود و دوستی با افراد بد منجر به بدی می‌شود (ارسطو، ۱۳۸۵: ۳۶۴-۳۶۵)

۱-۹ آثار اخلاق دوستی در ساحت های مختلف

آنچه تاکنون از اخلاق دوستی گفتیم، مبانی نظری در مورد این مبحث بوده است. لذا اکنون به مبانی عملی آن در قالب آثار دوستی در ساحت‌های (فرد-خانواده - دوستی والدین با فرزندان-زن و شوهر) می‌پردازیم.

۱-۱۰ فرد

ارسطو معتقد است که آدمی باید در درجه اول، خود را دوست داشته باشد تا دیگران را، و هر کسی ابتدا باید بهترین دوست خود باشد. مهم‌ترین بحث ارسطو در مورد دوستی، نظریه او مبتنی بر این است که خود دوستی مبنای همه دوستی‌هاست» (جانکار، ۱۳۸۸: ۲۶۶). بنا بر این نظریه ارسطو، کسی که خود را دوست نداشته باشد، نمی‌تواند دیگری را دوست داشته باشد. ارسطو بر این است که فرد با فضیلت برای این باید خود را دوست داشته باشد که اعمال شریفش، اول برای خودش سودمند است و بعدا برای دیگران. و فرد پست و فرومایه حتی با خودش نیز نمی‌تواند دوست باشد چرا که هیچ احساس دوستی در او نیست. بنابراین انسان با فضیلت، باید آنچه را برای خود می‌خواهد برای دوست نیز بخواهد (ارسطو، ۱۳۸۸: ۱۹۰-۱۸۹).

۱-۱۱ خانواده

یکی از ساحت‌هایی که به شدت تحت تاثیر اخلاق دوستی می‌باشد، نهاد خانواده است. و از آنجایی که خانواده متشکل از افراد مختلفی چون والدین و فرزندان می‌باشد، لذا بحث مورد نظر را برای هر کدام جداگانه می‌آوریم:

۱-۱۲ دوستی والدین با فرزندان

می‌دانیم که دوستی نوعی اشتراک و بهم پیوستگی است. اما دوستی خویشان و خانواده را باید نوع خاصی از این بهم پیوستگی دانست. دوستی خویشاوندان و خانواده انواع مختلف دارد ولی همه آنها را می‌توان با ارتباط پدر و مادر و فرزندان مرتبط ساخت. ارسطو معتقد است از آنجا که پدر و مادر منبع بزرگترین نیکیها برای فرزندان خود هستند، تعلیم و تربیت، رفاه و دیگر مراحل زندگی را مدیون پدر و مادر می‌دانند. این دوستی بیشتر از دوستی با یک فرد غریبه منشأ سود و لذت است. پس می‌بینیم والدین فرزندان را دقیقاً همانند خودشان دوست دارند؛ چون آنچه که از آنها به وجود آمده است وجود دارد، پس از جدا شدن همانند من دوم ایشان است. اما فرزندان، والدین را از آن جهت دوست دارند که از آنان متولد شده‌اند تفکر ارسطو در این نوع دوستی بسیار هماهنگ و شبیه به آموزه‌های اسلام است. (ارسطو، ۱۳۸۵: ۳۲۲).

از نظر ارسطو، دوستی میان زن و شوهر، دوستی طبیعی است. زن و شوهر علاوه بر غرایز جنسی خودشان، برای رفع نیازهای زندگی محتاج به تشکیل زندگی مشترک هستند. از این رو آنها بیشتر این زندگی مشترک را دوست دارند تا تشکیل یک جامعه. در خانواده وظیفه هر کسی مشخص است وظیفه زن غیر از وظیفه مرد است. زن و شوهر هر کدام با همکاری یکدیگر سهمی را برای رفاه خانواده تأمین می‌کنند. در این گونه از رابطه هم دوستی بر اساس لذت داریم و هم دوستی بر اساس نفع. اگر زن و شوهر باهم خوب باشند و نیازهای یکدیگر را برطرف کنند از منظر اخلاقی پایدارتر از ارتباط دوستانه است و هیچ گونه مشکلاتی در بین آنها وجود نخواهد داشت؛ چون جدا از اینکه هر کدام ویژگی به خصوص خود را دارند در زندگی مشترک خوب از یکدیگر لذت می‌برند. از این رو چیزی که روابط این دو را در طول مراحل زندگی مستحکم تر می‌کند وجود فرزندان است؛ چون وجه مشترک بین هم زن است و هم شوهر. اما اگر فرزندی در بین آنها نباشد ممکن است زندگی آنها به هم بخورد (ارسطو، ۱۳۸۵: صص ۳۲۳-۳۲۲).

اخلاق دوستی در نظر ارسطو جایگاهی بسیار ویژه دارد، چراکه ایشان یک پنجم کتاب اخلاق نیکو ماخوس را به این موضوع اختصاص داده است. در دیدگاه ارسطو دوستی از شرایط لازم و ضروری برای رسیدن به نیک‌بختی است. او معتقد است، انسان‌ها حتی اگر از تمام مواهب و مناصب دولتی و ثروت و ... برخوردار باشند، نیز بی نیاز از دوستی نمی‌باشند. پس همه انسان‌ها در همه دوران زندگی و در نیک‌بختی و بدبختی نیاز مبرم به دوست را احساس می‌کنند. ایشان دوستی را امری طبیعی در میان موجودات، اعم از انسان‌ها و حیوانات به ویژه انسان‌ها می‌داند و معتقد است چون دوستی در میان انسان‌های با فضیلت وجود دارد، پس خود نیز به منزله فضیلت و فی نفسه غایت محسوب می‌شود و ارتباط موثری با فضیلت دارد (ارسطو، ۱۳۸۵: صص ۳۲۳-۳۲۲).

۱-۱۴ فرهنگ

فرهنگی که متأثر از آثار ارسطو می‌باشد، بیشتر صبغه مادی دارد. زیرا هر چند ایشان در آثار خود به مباحث اخلاق دوستی و فضیلت‌های انسانی می‌پردازند و معتقدند با تبعیت از عقل می‌توان به فرهنگ و فضیلت و سعادت رسید. (ارسطو، ۱۳۸۵: صص ۳۲۳-۳۲۲).

اخلاق دوستی را از منظر این فیلسوف و اندیشمند مسلمان مورد بررسی قرار دهیم. لذا ابتدا به تعاریف و معانی لغات اخلاق و دوستی، سپس به مبانی الهیاتی که تکیه گاه اصلی جناب غزالی در مباحث اخلاق دوستی می‌باشند، و بعد از آن، مبانی انسان‌شناختی، و همچنین، مبانی جامعه‌شناختی و سیاسی، شرایط و ویژگی‌های اخلاق دوستی و سرانجام، آثار اخلاق دوستی در ساحت‌های مختلف، می‌پردازیم.

۲. اخلاق دوستی از نظر غزالی

در دو اثر اصلی برجای مانده از امام محمد غزالی یعنی کیمیای سعادت و احیاء علوم الدین، مهم‌ترین موضوع اخلاق است. احیاء علوم الدین، بزرگترین و مهم‌ترین اثر غزالی در دوران پختگی فکری و روحی اوست. اساس احیاء علوم، بر اندیشه تربیت و اخلاق است، ولی در کیمیای سعادت مسائل تربیتی کمتر می‌شود و اخلاق پررنگ می‌گردد. هدف غزالی از اخلاق در احیاء علوم، در واقع تربیت صوفیانه است. در نزد هیچ متفکر اسلامی، به اندازه غزالی تا این حد، فکر مستقل و بدیع راجع به اخلاق را نمی‌توان یافت (اعوانی، ۱۳۸۸: ۴۵).

صدیق (دوست) در اصطلاح به کسی گفته می‌شود که در دوستی و محبتش خالص باشد. (شرح اصول کافی، ج ۱۱: ۲۶۵) یا شائبه و فسادی در آن نباشد. (الطوسی، ۱۳۷۱: ۷۸). و در کتاب المحججه البیضا دوستی چنین تعریف شده است: دوستی یعنی همنشینی، معاشرت و گفتگوی انسان با افرادی که به آنها علاقه و محبت دارد. زیرا با غیردوست معمولاً کسی قصد معاشرت ندارد. این دوستی و ارادت و محبت، یا لذاته است (یعنی به خودی خود مطلوب است) و یا همبازی و واسطه‌ایی است که انسان به وسیله آن به دوست حقیقی برسد.. (فیض کاشانی، ۱۳۱۳: ۶۳).

۱-۱۲ اخلاق در اندیشه غزالی

از منزلت و اهمیت خاصی برخوردار است. او نخستین اندیشمند اسلامی است که مطالعات منسجمی در موضوع اخلاق دارد. او از علم اخلاق به نام‌های علم آخرت، علم صفات خلق، اسرار معاملات دین و اخلاق ابرار یاد می‌کند (حقانی زنجانی، ۱۳۸۰: ۳۲۵).

۲-۱۲ اقسام دوستی

غزالی معتقد است، دوستی‌ها را از جنبه‌های مختلف می‌توان تقسیم بندی کرد؛ مثلاً اگر از جهت اسباب و علل به دوستی نگاه کنیم، اقسام دوستی، عبارتند از: اول، دوستی ذات؛ یعنی انسان میل به بقای نفس خود دارد و به تبع آن، به متعلقات خود، یعنی مال و همسر و خانواده و ... نیز محبت می‌ورزد. دوم، احسان؛ که بالطبع انسان سازگار است، زیرا گفته‌اند: «الانسان عبید الاحسان». و سوم، دوستی نیکوکار، که این هم در واقع، به تبع احسان است. باید گفت دلایل دوم و سوم دوستی به همان دلیل اول باز می‌گردند، چراکه گرایش به تبع آن، لذت‌های مختلفی را درک می‌کند. غزالی می‌گوید: در لذت پنج حس ظاهر، بهایم با آدمی شریک‌اند. پس آدمی به احسان و به تبع آن نیکوکار، همه از بقای ذات ریشه می‌گیرد. خود غزالی هم به این مطلب تصریح دارد (غزالی، ۱۳۵۸، ج: ۲: ۸۳۲). سبب چهارم از اسباب، دوستی به نیکی است و این مرتبه از دوستی از موارد قبلی بالاتر است، زیرا در این جا انسان دوستی را برای خود نمی‌خواهد، بلکه آن را برای ذات خوبی دوست دارد. سبب پنجم از اسباب محبت عبارت است از مناسبت میان طبایع؛ یعنی گاهی سبب دوستی وجود

یک شباهت و مناسبت میان دو طرف دوستی است. اما سؤالی که اینجا پیش می‌آید این است که چه نوع مشابهت و سنخیتی است که ایجاد دوستی می‌کند؟ (غزالی، ج ۲: ۸۳۳).

۲-۳ مبانی انسان‌شناختی اخلاق دوستی

از مهم‌ترین مبانی اخلاق دوستی، تبیین نظام انسان‌شناختی اخلاق دوستی می‌باشد. لذا برای حصول بهتر نتیجه، ابتدا به مبحث دوساحتی بودن انسان می‌پردازیم.

۲-۴ دو ساحتی بودن انسان

در باب ساحت‌های وجودی انسان و حقیقت وی، دست کم سه نظریه در میان اندیشمندان مسلمان مطرح است: (بداشتی و رضایی راد، ۱۳۹۴: ۳۲).

انسان موجودی تک ساحتی است که عبارت است از همان ساحت جسمانی بودن. این دیدگاه در میان همه فرق کلامی پیروانی دارد. در این دیدگاه حقیقت انسان، تمامی بدن اوست. علاوه بر ساحت جسمانی بدن، انسان دارای ساحت وجودی دیگری است که عمدتاً نام نفس را بر آن می‌نهند. برخی این ساحت دوم را نیز جسم یا جسمانی می‌دانند و در تعیین آن دچار اختلافی شدید شده‌اند. جمع زیادی از متکلمان، انسان را همان اجزای اصلیه در بدن دانسته‌اند که در سراسر زندگی ثابت می‌مانند و به هیچ روی دگرگون نمی‌شوند و افزایش و کاهش نمی‌پذیرند. (محقق حلی، ۱۴۱۴: ۱۳۹-۱۴۴).

برخی دیگر ساحت وجودی دوم انسان را مجرد از ماده می‌دانند که به بدن تعلق دارد و به واسطه بدن افعال خود را انجام می‌دهد. جمهور فلاسفه و جمعی از متکلمان همچون هشام بن کلم (مفید، ۱۴۱۳ ق الف، ص ۵۸). در دیدگاه دوم اجزای اصلی بدن، حقیقت انسان را شکل می‌دهند و در دیدگاه سوم اگر چه اصالت انسان به نفس اوست، بدن هم در ساختار انسان تأثیرگذار است و وجود آن در حیات دنیوی برای انجام افعال نفس و درحیات اخروی به دلیل برخی ملاحظات دین‌شناختی، ضروری است. علامه طباطبایی در موارد پرشماری بر دو ساحتی بودن انسان تصریح می‌کند و علاوه بر بدنی مادی انسان را بهره‌مند از جوهری مجرد به نام نفس یا روح دانسته که با ضمیر من به آن اشاره می‌شود و حقیقت انسان به همان است. (علامه طباطبایی، ۱۳۹۴. ج ۲، ص ۱۱۳؛ ج ۱. ۱: ۱۱۸).

۲-۵ نسبت دوستی با عقل

برای بررسی نسبت دوستی با عقل ابتدا به معانی لغوی و اصطلاحی عقل می‌پردازیم. البته باید توجه داشت که تعاریف لغوی واژه عقل هرگز بیان‌کننده حقیقت آن نیست و تنها برای روشن شدن زمینه بحث مفید است و ما برای پی بردن به واقعیت عقل باید به آثار و کارکرد آن توجه کنیم. غزالی در مورد معنای لغوی عقل معتقد است که عقل، هم در اصل لغت و هم در عرف استعمال، به غریزه و قوه ای اطلاق می‌شود که معلومات ثمره آن است. در واقع تعریف عقل در نسبت با معلومات بدین جهت است که معلومات در مقام ثمره و نتیجه غریزه عقل، در دسترس همگان قرار داشته و وضوح بیشتری دارند (غزالی، کیمیای سعادت، ج ۱، ص ۹۷).

عقل در لغت به معنای درک کردن و فهمیدن آگاهانه است. همچنین عقل در عرف غالباً به معنای نیروی تشخیص دهنده سود و زیان و خوب و بد به کار می‌رود (بنی جمالی و احدی، ۱۳۹۰، ص ۹۴).

۲-۶ نسبت دوستی با عاطفه

از جمله عوامل ایجاد دوستی‌ها، عواطف انسانی می‌باشند که اخلاق دوستی متأثر از آن است. لذا در این قسمت به چگونگی این ارتباط می‌پردازیم. عاطفه در لغت به مطلق گرایش‌های طرفینی و یا شیء به شیء دیگر اطلاق می‌گردد. عاطفه که به عاطفات، یا عواطف جمع بسته می‌شود، مونث عاطف و مصدر آن عطف به معنای میل و رغبت آمده است (برهانی سلمانی، ۱۳۸۹: ۹۰) و در روایات، عاطفه به معنای: الفت، مهربانی، عنایت، رحمت، رأفت، شفقت، عفو، دوستی و... به کار رفته است. از نظر روانشناسان، مفهوم عاطفه این است: توضیحات حالت هیجانی شخص که اندیشه او را همراهی می‌کند عاطفه خوانده می‌شود (واژه نامه فرهنگ توصیفی علوم تربیتی). اما در مفهوم اصطلاحی «عاطفه» مورد نظر ما، عطف و توجه مطلق نیست؛ بلکه، محدود به مواردی است که طرف توجه انسان، یک انسان باشد نه چیز دیگر. (مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ۲۱۶). منظور از عاطفه حالتی از احساس است که از طرفی دارای تحریک جسمانی معین و از طرف دیگر اختلالی نامأنوس در فرآیند خیالی می‌باشد. (بنجامین، ۱۳۹۳: ۲۷۸) از دیدگاه غزالی تربیت عاطفی به طور کلی عبارت است از شناساندن دقیق عواطف، تمایلات و انفعالات طبیعی به مرتبی و هدایت و تعالی بخشی تمایلات و عواطف از طریق پرورش اراده (کلبعلی، ۱۳۸۵: ۱۵۵).

۲-۷ شرایط و ویژگی های اخلاق دوستی

غزالی نماینده‌ی کسانی است که محور تربیت اخلاقی را خدا می‌دانند و اساس و منشأ اخلاق و تربیت اخلاقی را در شریعت جست و جو می‌کنند. غزالی برای دوستی و مصاحبت با دیگران شرایط و ویژگی‌هایی را بر می‌شمارد. او معتقد است هر کسی شایسته دوستی و همنشینی نمی‌باشد. بلکه باید با کسی دوستی کنید که سه خصلت و ویژگی داشته باشد: اول عاقل باشد. زیرا در دوستی با احمق هیچ فایده‌ای نبود و آخر به وحشت و تنهایی می‌رسد. زیرا احمق می‌خواهد برای تو کاری انجام دهد، بخاطر احمقی، کاری می‌کند که زیان تو در آن باشد و او خود این نمی‌داند، چون احمق حقیقت کارها نداند و چون به وی بگویی، فهم نکند. خصلت دوم، خُلُق نیکو می‌باشد، زیرا آدم بد اخلاق سلامت نیست و چون خوی بد او آشکار شود، تو در امان نباشی و او باکی ندارد. خصلت سوم، آنکه به صلاح باشد، زیرا هرکس بر انجام معصیت مصر بود، از خدای تعالی نترسد و هر کس از خدا نترسد، به وی اعتمادی نیست. و خدای تعالی می‌فرماید: «طاعت مدار کسی را که از ذکر خود غافل کرده ایم و از پس هوای خویش است». همچنین با کسی که مبتدع است، دوری باید کرد. زیرا بدعت وی سرایت می‌کند و شومی او به تو می‌رسد (غزالی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۳۷۱-۳۷۲).

۲-۸ آثار اخلاق دوستی در ساحت های مختلف

تا کنون مباحثی که مورد بحث قرار گرفت، مربوط به مبانی نظری اخلاق دوستی می‌باشد، لذا در ادامه به آثار عملی اخلاق دوستی در ساحت‌های مختلف، اعم از فردی و اجتماعی، و... می‌پردازیم:

۲-۹-۹ فرد

دانستیم که اولین سبب از اسباب دوستی از نظر غزالی، آنست که آدمی خود را دوست دارد چرا که آدمی بقا خود را دوست دارد و هلاک خویش را دشمن. و این موافق با طبع اوست. و چیزی سازگارتر و موافق‌تر از دوام و هستی و کمال صفات انسان برای طبع او نیست. پس بدین سبب آدمی فرزند و خویشان و مال و همه‌ی متعلقات خویش را دوست می‌دارد زیرا بقای اینها سبب بقای خویش می‌باشد. در واقع انسان از بقای خود عاجز است لذا همه‌ی آنچه که به وجهی سبب بقای وی باشد را دوست می‌دارد و این دوست داشتن حقیقی می‌باشد زیرا وسیله‌ای است مانند پر و بال برای او و بقای وی و خود را به وسیله‌ی اینها می‌شناسد و تعریف می‌کند. (غزالی، ۱۳۷۹، جلد ۲: ۹۵۶-۹۵۷).

۲-۱۰-۲ خانواده

همانطور که در فصل قبل اشاره شد، نهاد خانواده یکی از ساحت‌های مهمی است که متاثر از آثار اخلاق دوستی می‌باشد. و چون خانواده از افراد مختلفی تشکیل می‌شود، بنابراین در مورد هر کدام جداگانه بحث خواهیم کرد:

۲-۱۱-۲ دوستی والدین با فرزندان

از نظر غزالی خاص‌ترین و پیوسته‌ترین رابطه‌ی خویشاوندی ولادت می‌باشد که تاکید حق در آن بسیار زیاد است. ایشان ضمن نقل احادیثی از رسول خدا (ص) این حق را تاکید می‌کنند. از جمله این احادیث این است که رسول خدا (ص) فرمودند: نیکویی در حق پدر و مادر برتر از نماز و روزه و حج و جهاد در راه خدا می‌باشد. پس نیکویی کن در حق پدر و مادر و خواهر و برادر و نزدیکانت. و اما نیکویی در حق مادر دو برابر نیکویی در حق پدر می‌باشد. همچنین ایشان فرمودند: دعای مادر به اجابت نزدیکتر است از دعای پدر و مادر. زیرا مادر رحیم‌تر از پدر است و دعای رحیم از اجابت نمی‌افتد (غزالی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۴۶۶-۴۶۵).

و اما حق فرزند از نظر غزالی: فرزند مانند امانتی می‌باشد در دست پدر و مادر و دل او پاک است مانند جوهر نفیس و نقش پذیر چون موم و از همه‌ی نقش‌ها خالی است. به عبارتی فرزند مانند زمین پاک است که هر تخمی در آن افکنی بروید؛ اگر تخم خیر افکنی به سعادت دین و دنیا رسد و مادر و پدر و معلم در ثواب آن شریک باشند، و اگر به خلاف این بود نیز، شریک باشند. چنانچه حق تعالی در این مورد می‌فرماید: کودک را از آتش دنیا نگاه داشتن اولی‌تر است که از آتش دوزخ نگاه دارند و نگاه داشتن وی آن است که او را به ادب دارد و اخلاق نیکو به وی بیاموزد و از نزدیکی به بدی نگاه دارد که اصل همه‌ی فسادها از نزدیکی با بدی بر می‌خیزد (غزالی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۴۰۰).

۲-۱۲ زن و شوهر

غزالی در ارتباط با اخلاق و روابط میان زن و شوهر مواردی را با عنوان حقوق و وظایف زن و شوهر بیان می‌کند. از جمله‌ی این حقوق برای شوهر: ولیمه دادن هنگام عقد و عروسی، خوی نیکو داشتن با زنان و نرنجاندن آنها، اعتدال در رفتار، نفقه دادن، اجازه کسب علوم مورد نیاز و... و اما حقوق شوهر بر زن: اینکه حق مرد بیشتر از حق زن است و در واقع زن بنده‌ی مرد می‌باشد و باید در خانه بنشیند و بدون اجازه‌ی شوهر بیرون نرود و از شوهر خود جز نیکویی و خوبی نگوید و اسرار شوهر و خانه را فاش نکند و عیوب شوهر خویش را پوشیده دارد و بی سبب طلب خرید و فروش نکند طلاق نخواهد و در مال وی خیانت نکند و... پس زن و شوهر برای دوام و بقای روابط خویش و خانواده سعی در انجام وظایف دارند تا خلق و خوی نیکو توأم با دوستی در خانه حاصل شود. (غزالی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۲۹۶-۳۰۵)

۲-۱۳ جامعه

علی‌رغم تاکید بر دوستی افراد در جامعه، غزالی می‌گوید؛ اما هر آدمی شایسته دوستی نیست. چراکه پیامبر (ص) فرمودند: مرد بر عادت دوست خود باشد، پس بنگرد با که دوستی می‌کند. مراد از این سخن آن است که آدمی عادت و خوی کسی را می‌گیرد که با وی مخالفت کند، پس باید با بهتر از خود دوستی گیرد نه با کمتر از خود، تا درجه نیکویی وی در ارتفاع باشد نه در انحطاط. و در دوستی‌های مطلوب فایده‌های دینی و دنیوی می‌باشد. و مقصود از فایده‌های دنیوی، بدست آوردن مال و مقام و یا فقط همنشینی و گفتگو می‌باشد، و اما فایده‌های دینی، در آن نیز اهداف مختلفی می‌باشد از جمله، استفاده از علم و عمل است، و استفاده از مقام تا جایی که بتواند خود را از وسوسه دل و منع عبادت حفظ کند. و استفاده از مال تا آنجا که برای وی کافی بود برای طلب مایحتاج و مهم زندگی تا به مشقت نیفتد و مورد آخر انتظار شفاعت در آخرت می‌باشد، چرا که خداوند تعالی فرمودند: که چون بنده‌ایی آمرزیده شود، شفاعت او در حق برادران مقبول باشد. و برای این است که جماعتی، عزلت و تنهایی را کراهت می‌دانند و به سبب دوستی و الفت هم‌نشین می‌شوند. (غزالی، ۱۴۰۶ ج ۲: ۳۷۳-۳۷۲)

۲-۱۴ فرهنگ

فرهنگی که غزالی در چهارچوب وظایف مردم و مسائل اخلاقی معرفی می‌کند، از نوع الهی و متأثر از خلق و خوی اسلامی، می‌باشد. چرا که در فرهنگ اسلامی، اعتقاد به ارزش‌ها نیز جزو فرهنگ آمده است و این همان چیزی است که در آثار غزالی مشهود است. لذا در فرهنگ دینی اسلامی، خدا شناسی و معنویات، نه تنها حرکت دائمی انسان را بسوی کمال و رشد را تضمین می‌کند، بلکه به صورتی اطمینان بخش جلو انحراف فرد و جمع را نیز می‌گیرد. کسی که به خداوند می‌پیوندد و روزی پنج بار در دریای رحمت نماز، غسل

می‌کند از پلیدی‌ها، بیدادگری‌ها، هوی و هوس و تمایلات بی ارزش، فاصله می‌گیرد و تسلیم لذت زودگذر مادی نمی‌گردد، بلکه تسلیم معبود باری تعالی می‌شود. (غزالی، ۱۴۰۶: ۲-۳۷۳-۳۷۲)

نتیجه‌گیری

این نوشتار بران بود تا با ذکر شواهدی، اخلاق غزالی به رغم تفاوت‌های که با اخلاق ارسطو دارد، تقریری از اخلاق فضیلت بداند. ارسطو برخلاف نظریه اخلاقی غزالی، به اخلاقی دنیا زده توجه نموده که براساس آن هدف از دست یافتن به فضایل، رسیدن به سعادت در همین جهان است. غزالی عالم ماورای ماده را در تعریف سعادت ارسطویی گنجانیده و معنایی از سعادت اخروی را که مقصود همان قرب به خداوند است ارائه می‌دهد. او برخلاف ارسطو که حکمت نظری را برترین فضیلت می‌داند عشق به خداوند را به منزله « خیر اعلی» تلقی کرده که مسلماً ریشه‌ای دینی دارد. از آنجاییکه سعادت و خوشبختی برای انسان به عنوان غایت و هدفی است که با انجام اعمالی خاص و ارادی در طول زندگی، آن را کسب می‌کند و برای او لذت بخش است. مهم‌ترین ابزار برای رسیدن به سعادت، فضایل هستند. و یکی از این فضایل، دوستی و مجموعه اخلاق دوستی می‌باشد، که فضیلتی عقلانی می‌باشد و در رسیدن انسان به کمال و سعادت بسیار موثر می‌باشد. البته دانستیم که، راه‌های کسب فضایل و رسیدن به سعادت از نظر ارسطو و غزالی تفاوت‌هایی دارد. چراکه ارسطو همه غایت و سعادت انسان را در این دنیا می‌داند اما غزالی سعادت انسان را در کسب رضایت خداوند می‌داند و آن را امری معنوی و اخروی می‌داند. که در جهان آخرت محقق می‌شود همچنین، ارسطو در تمام آراء اخلاقی خود، عقل را حاکم می‌داند و بر اساس عقل خوبی و بدی را مشخص می‌کند. اما غزالی علاوه بر عقل، از احکام شرعی و آیات قرآن و روایات دینی نیز استفاده می‌کند. البته هر دو اندیشمند معتقد به اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط برای عبور از رذایل اخلاقی و کسب فضایل عقلی هستند. و دوستی که مبتنی بر عقلانیت و خلق نیکو باشد، را می‌ستایند. ارسطو معتقد است برای دوستی رابطه دو جانبه نیاز است که برپایه برابری است، زیرا طرفین همانند هستند و هر کدام از طرفین همان را برای دیگری می‌خواهند که خود می‌خواهند. او چیزی را از دیگری می‌گیرد و به او می‌دهد مثل: نیکی، لذت و سود.

منابع و ماخذ

- قرآن کریم.

- ابن فارس، احمد، (۱۴۰۴ ق)، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبد السلام محمد هارون، چاپ اول، مطبعه مکتب الاعلام الاسلامی.

- ابن منظور، جمال الدین ابوالفضل، (۱۴۱۶ق)، لسان العرب، الطبعة الأولى، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

- _ الفراهیدی ، الخلیل بن احمد . (۱۴۱۴). کتاب العین ترجمه، مهدی فخرومی و ابراهیم سامرائی، الطبعه الاولى ، انتشارات اسوه ، قم .
- _ ارسطو، (۱۳۴۹)، درباره نفس، ترجمه علی مراد داودی، انتشارات حکمت.
- _ ارسطو، (۱۳۷۷). متافیزیک (مابعدالطبیعه) ترجمه، شرفالدین خراسانی (شرف)، چاپ دوم، تهران، انتشارات حکمت.
- _ ارسطو، اخلاق نیکوماخوسی، (۱۳۷۸). ترجمه محمدحسن لطفی، تهران، طرح نو.
- _ الحسینی الزبیدی، محمد مرتضی، (۱۳۸۵). تاج العروس من جواهر القاموس، اسم المؤلف ، دار النشر: دار الهدایه، تحقیق: مجموعه من المحققین، ج ۱۰، ص ۲۵۷، باب بور.
- _ ارسطو، (۱۳۶۶). متافیزیک ، ترجمه شرف الدین خراسانی، تهران: نشر گفتار.
- _ ارسطو، (۱۳۸۵). اخلاق نیکوماخوس . ترجمه محمدحسن لطفی . تهران : طرح نو.
- _ ارسطو، (۱۳۸۵). متافیزیک ، ترجمه: شر الدین خراسانی، تهران: انتشارا حکمت، چاپ چهارم.
- _ ارسطو، (۱۳۶۶). متافیزیک. ترجمه شرف الدین خراسانی. تهران: نشر گفتار.
- _ ارسطو، (۱۳۸۹). اخلاق نیکوماخوس . ترجمه محمدحسن لطفی: تهران، طرح نو.
- _ ارسطو، (۱۳۹۳)، ترجمه داودی، علی مراد، تهران، انتشارات: حکمت.
- _ الطوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن ، (۱۳۷۱). التبیان فی تفسیر القرآن / تالیف ؛ تحقیق موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المقدسه . مشخصات نشر : قم : جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه بقم ، موسسه النشر الاسلامی ، ۱۴۱۳ق .
- _ ابن عربی، محی الدین، (۱۳۸۴). فتوحات مکیه، ترجمه ی محمد خواجوی، تهران: انتشارات موالی ، باب: ۱۱۴، ص: ۲۲۸).
- _ ارسطو، (۱۳۸۶). اخلاق نیکوماخوس، ترجمه صلاح الدین سلجوقی، نشر، عرفان.
- _ اصفهانی، راغب، (۱۴۲۸)، حسین بن محمد بن مفضل، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، بیروت، دارالشامیه.
- _ اکبریان ، حسن علی، (۱۳۷۷). درآمدی بر قلمرو دین، چاپ اول، تحقیق و نشر: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- _ المحجّه البيضاء، (۱۳۸۳). ترجمه علی اکبر غفاری ، نشر: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، قم، ۸ جلد.

- _ بنجامین، جیمز سادوک، (۱۳۹۳) ویرجینیا آلکوت سادوک، پدر و روئیز، خلاصه روانپزشکی کاپلان و سادوک، ترجمه دکتر فرزین رضاعی، تهران: ارجمند، ص ۲۷۸.
- _ بداشتی، علی الله، رضایی راد، محمدرضا، (۱۳۹۴). معاد جسمانی از دیدگاه علامه طباطبایی (ره)، تابستان، چاپ دوم.
- _ جانکار، باربارا، (۱۳۸۶). فلسفه ارسطو، ترجمه، مهدادایرانی طلب، تهران، نشر: اطلاعات.
- _ دهخدا، (۱۳۵۱). لغت نامه، نشر: دانشگاه تهران، ج ۵، ص ۱۵۲۵.
- _ طباطبایی، سید م. ح. (۱۳۵۰). تفسیر المیزان: جلد ۱۸ (محمدباقر موسوی همدانی، مترجم). قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ترجمه آقای سید محمدباقر موسوی همدانی.
- _ غزالی، ابوحامد، (۱۹۷۵). مجموعه رسائل، روضه الطالبین، بیروت: دار الکتب العلمیه ج ۲، ص: ۳۹
- _ غزالی، امام محمد، (۱۳۵۸) ابوحامد، کیمیای سعادت، تصحیح حسین خدیو جم، چاپ سوم، انتشارات علمی فرهنگی، تهران، ج اول، ص ۳۹.
- _ غزالی، ابوحامد، (۱۳۶۸). احیاء علوم الدین: ترجمه مویدالدین محمد خوارزمی، به کوشش حسین خدیو جم، انتشارات علمی فرهنگی، ج ۳.
- _ غزالی، ابوحامد محمد، (۱۴۰۹). احیاء علوم الدین، - محقق عبدالمرحیم بمن حسمین حماف عراقی، بیروت: دارالکتب العربی
- _ غزالی، کیمیای سعادت، (۱۳۸۸). جلد اول و دوم، به کوشش حسین خدیو جم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ یازدهم کیمیا.
- _ غزالی، محمد، الاربعین، (۱۳۷۰). ترجمه، بران الدین حمدی، تهران، ناشر: اطلاعات.
- _ غزالی، محمد، احیاء الدین، (۱۳۹۰)، مترجم، پرویز شیخ کریمی، تهران، ناشر، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- _ غزالی، محمد، (۱۴۱۶)، المنقذ من الظلال، ب، بیروت، دارالفکر.
- _ غزالی، امام محمد، (۱۳۷۸). ابوحامد، کیمیای سعادت، تصحیح حسین خدیو جم، چاپ سوم، انتشارات علمی فرهنگی، تهران، چاپ، ج اول، ص ۳۹.
- _ غزالی، محمد، (۱۳۶۱)، کیمیای سعادت، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، انتشارات طلوع، ج ۲، صص ۶-۹.
- _ غزالی، کیمیای سعادت، (۱۳۷۹). تهران نشر: گنجینه، جلد ۲، ص ۹۵۶-۹۵۷.
- _ غزالی، محمد، (۱۳۰۵). الادب فی الدین، ترجمه، علی اکبر حکمت، نشریه تعلیم و تربیت، شماره ۲۲.

- _ غزالی، ابو حامد محمد (۱۳۷۶)، میزان العمل، تصحیح سلیمان دنیا، ترجمه علی اکبر کسمایی، تهران: سروش.
- _ غزالی، محمد بن محمد (۱۹۸۹)، میزان العمل، تصحیح سلیمان دنیا، ترجمه علی اکبر کسمایی، تهران: سروش.
- _ غزالی، محمد بن محمد، (۱۴۰۶). احیاء علوم الدین، ج ۴، ص ۳۱۸، بیروت.
- _ غزالی، محمد بن محمد، (۱۹۳۳)، احیاء العلوم الدین، چ خلیفه، قاهره.
- _ غزالی، محمد، (۱۳۵۸). کیمیای سعادت، دو جلد، به کوشش حسین خدیو جم. چ ۳. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۱.
- _ غزالی، محمد، (۱۳۶۸)، کیمیای سعادت، دو جلد، به کوشش حسین خدیو جم. چ ۲. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- _ غزالی، ابو حامد محمد، (۱۳۵۱). احیاء العلوم، ترجمه مؤید الدین خوارزمی، به کوشش حسین خدیو جم، چ ۱، تهران: اساطیر.
- _ فاخوری، حنا و خلیل جر، (۱۳۹۳). تاریخ فلسفه در جهان اسلام، ترجمه، عبدالمحمد آیتی، تهران، نشر علمی و فرهنگی.
- _ مجتبیوی، جلال الدین (۱۳۸۱). علم اخلاق اسلامی، ترجمه کتاب جامع السعادات، جلد اول: تهران، انتشارات حکمت
- _ مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۷۸). اخلاق در قرآن، مترجم تحقیق و نگارش محمد حسین اسکندری، ج ۲، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله علیه، ص ۲۱۶.
- _ محقق حلّی، جعفر بن حسن، (۱۴۱۴). المسلك فی اصول الدین و الرسائل الماتعیة، تحقیق رضا استادی، چاپ اول، مشهد، مجمع البحوث الإسلامیة.
- _ حقانی زنجانی، حسین، (۱۳۸۰). دیدگاه غزالی در معنای نفس و اثبات وجود آن، ماهنامه مکتب اسلام، شماره دو،